Archive of SID

2nd International Conference on
CIVIL ENGINEERING, ARCHITECTURE & URBAN PLANNING ELITES
15th Nov.2016 London - United Kingdom

دومین کنفرانس بین المللی
نخبگان عمران، معماری و شهرسازی
لندن - انگلستان ۲۵ آبان ماه ۱۳۹۵

بررسی تطبیقی وجوه اشتراکات تعاملات بین رشته ای معماری و مجسمه سازی

رزا جهرمی زاده[۱]
دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران
rosa.jahromizadeh@gmail.com

سیده مرضیه طبائیان[۲]
دکتری معماری، عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد هرند، اصفهان، ایران
Marzieh.tabaeian1@gmail.com

چکیده

امروزه هنر یکی از اساسی ترین و نافذترین بیان ها برای انتقال فرهنگ، ارزش ها و دانسته های بشری می باشد و در واقع اصالت های جوامع بستگی مستقیم به هنر دارد، به خصوص در جامعه ما که ارزش ها و سنت های آن دیربازی است به دست فراموشی سپرده شده اند و شاید هنر تنها وسیله ای است که به درون انسان ها رجوع می کند و آن ها را از اعماق وجودشان بیدار می سازد. در این میان معماری به عنوان یکی از هنرهای بصری، از مهم ترین و صادق ترین وسایل برای انتقال فرهنگ و هنر می باشد و هنر مجسمه سازی مقدمه ای است بر فهم آن چه معماری قادر به بیان آن نیست. با توجه به اهمیت تعاملات بین رشته ای معماری و مجسمه سازی و نبود مجموعه ای منسجم و قدرتمند جهت آموزش، سازماندهی و نمایش فعالیت های فرهنگی و هنری در رابطه با مقوله تعامل میان این دو رشته، طراحی مکانی به این منظور پیشنهاد شده است. در این راستا با بررسی مفاهیم مشترک میان معماری و مجسمه سازی به عنوان دو هنر بصری که در عین داشتن رابطه ای تنگاتنگ از هم دورمانده اند، ایجاد فضایی جهت تبلور عرصه های موجود در هنر مجسمه سازی و عینیت بخشیدن به آن در فضای معماری، صورت پذیرفته است. از طرف دیگر مراکز آموزشی- فرهنگی، در دسته ساختمان های مهم عمومی جای می گیرند که با تعداد زیادی از جوانان به مدت طولانی در ارتباط هستند. در این پروژه پس از آگاهی از اهمیت موضوع و لزوم تحقیق، به شرح تاریخچه مختصری در باب این دو هنر همچنین ایجاد فضاهایی که تعاملات میان رشته ای هنرجویان معماری و مجسمه سازی پرداخته است. روش تحقیق ترکیبی از نوع کیفی بوده و از روش کتابخانه ای و تارنماهای معتبر بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: آموزش، فرهنگی، معماری، مجسمه سازی

[۱] مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نوسینده اول می باشد که زیر نظر راهنمایی نویسنده دوم در واحد اصفهان(خوراسگان) به انجام رسیده است

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

برای بررسی تعامل بین دو پدیده، ابتدا لازم است به تدقیق حوزه هر یک پرداخته شود. از آن جا که موضوع این پژوهش، پیدا کردن تعاملات میان مجسمه سازی و معماری است، با نگاهی دقیق و در جستجویی تخصصی تر به مجسمه سازی، پیکرتراشی و تندیس گری به عنوان یک هنر زیبا و همچنین شناسایی پیشینه و تحولات شکل گرفته در فرم و محتوای معماری، پرداخته خواهد شد. آن چه مهم است، دستیابی به مفهومی کلی در ارتباط با ماهیت این دو هنر و مراتبی است که در طول زمان از سر گذرانده است از این رو به جای بررسی کلی شمار بسیاری از رویدادها فقط به بررسی تعدادی از آن ها که با برخورداری از تلفیق و ارتباط میان مجسمه سازی و معماری منشأ به وجود آمدن معماری عصر حاضر گشته اند، پرداخته خواهد شد تا در آخر به سبک تندیس گرایی که نمود عینی از تعامل این دو هنر است، دست یافت.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله کیفی می باشد. و از نوع تحقیقات توسعه ای به حساب می آید. بدین منظور که در این تحقیق از نمونه گیری های هدفمند استفاده می شود که ساختارها و واحدها به جای انتخاب تصادفی، به علت ویژگی های آن ها نسبت به پدیده ی مورد مطالعه انتخاب می شوند. از آنجا که روش تحقیق به نوع پژوهش و ماهیت آن بستگی دارد، پس از مطالعات زیر بنایی معماری انجام گرفته، کوشش به عمل آمده است تا ابتدا به روش توصیفی، تحلیلی- تطبیقی و بر اساس مطالعات کتابخانه ای ادامه یابد.

بررسی مجموعه آموزشی و فرهنگی

تعریف آموزش

فرآیندی که طی آن، آموزش دهنده اندوخته ها، دانش و تجربه خود را به آموزش گیرنده انتقال می دهد. آموزش جزء اصلی و لاینفک هر اجتماع و تمدن بوده است، چنان که باید گفت آموزش درون مایه ای از تمدن بشری است؛ همچنین عنصر سازنده زندگی اجتماعی انسان به شمار می رود. شاخصه تمدن های بزرگ در طول تاریخ، توانمندی آن ها در تولید علم و بسط و گسترش آموزش بوده است(خورشید دوست، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳). یکی از توجیه پذیرترین اتهام هایی که می توان علیه آموزش و پرورش در کشور عنوان کرد، فراموش کردن آفرینشگری ذاتی جوانان و یا غالباً فرو نشاندن آن است. تأکید صرف بر آموزش های تئوری و فاقد تجربه اندوزی موجب آسیب دیدن ریشه های تفکر خلاق گشته است. مطالعه و تحقیق در مورد جنبه های مختلف هنری، در شکل گیری ایده ها و شکوفایی خلاقیت هنرجویان بسیار تأثیر گذار است. به این ترتیب نمی توان نقش مطالعه مباحث هنری، قبل از پرداختن به فعالیت های هنری را در رشد زمینه های فکری، افزایش ابتکار و خلاقیت و ارتقا سطح دانش هنرجویان و هنرمندان، در کنار فعالیت های علمی، نادیده گرفت(فتوت، ۱۳۸۸).

تعریف فرهنگ

گی روشه[2] ـ استاد دانشگاه مونترال کانادا ـ با استفاده از تعریف تایلور[3] و محققان دیگر فرهنگ را این گونه تعریف می کند. فرهنگ مجموعه بهم پیوسته ای از شیوه های تفکر احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی از افرادی فراگرفته می شود و بین آنها مشترک است و دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می شود تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد.

[2] Gi Rosheh
[3] Tilver

www.SID.ir

Archive of SID

عناصر فرهنگ

استخراج عناصر فرهنگ و توضیح هر یک از آنها، گذشته از آن که ما را هر چه بیشتر به مفهوم فرهنگ نزدیک می سازد، در تبیین ویژگی ها و کارکردهای آن نیز مؤثر است. علاوه بر این، دارای کاربرد علمی نیز می باشد. چه، گذشته از آن که در نوع تعامل ما را با جامعه ای که در آن زندگی می کنیم، مؤثر واقع می شود، در برنامه ریزی برای حفظ، تثبیت و ترویج فرهنگ نیز مدیران فرهنگی را مدد می رساند.

حوزه فعالیت های فرهنگی

جدول۱، فعالیت های فرهنگی

ارزشی و بینشی	این فعالیت ها مجموعه ای از مباحث نظری دینی ، از جمله ، جهان بینی مذهبی ، هستی شناسی ، انسان شناسی و .....را در بر می گیرد
دانش	دانش فرهنگی در معنای کلام دانش های کاربردی ، دانش های بین رشته ای ، موضوعات بین رشته ای ، حرفه های تخصصی فرهنگی ، از جمله موضوعاتی است که می تواند در حوزه دانش مورد بررسی قرار گیرد .
هنر	فعالیت های هنری گسترهٔ وسیعی را تشکیل می دهند که بسته به امکانات موجود از موسیقی ،تئاتر ، سینما ، هنرهای تجسمی و .....را در بر می گیرد .
ادبیات	افسانه ها ، قصه ها ، داستان ها و استوره های هر ملتی بر گرفته از فرهنگ همان ملت است که باتوجه به آن ها می توان ، غنی بودن هر فرهنگی را بررسی کرد ، مانند شاهنامه فردوسی در فرهنگ فارسی یا غزل های شمس مولانا در ادبیات ایرانی و اسلامی
عُرف	عرف حاصل از ارتباطات آزاد اجتماعی است ، عرف و تجربه عرفی ، ابزاری است برای اعمال قضاوت های ارزشی و تولید ارزش ها ، فعالیت های فرهنگی می تواند از طریق ارتباطات فرهنگی ، تعاملات فرهنگی ، تعاملات فکری ، ارزشی ، هنجاری و مورد بررسی قراردادن مسائل روز فرهنگی در شکل گیری و غنای عرف فرهنگی تأثیر گذار باشد .
مهارت های زندگی و کیفیت زندگی	فعالیت های فرهنگی به مثابه پیدا کردن راهی برای بهبود کیفیت زندگی بوده و مهارت های زندگی را افزایش می دهد ، مانند مهارت های سازگاری با دیگران .

مروری بر شیوه های آموزش هنر در ایران

تعریف هنر

در معنای عام و انتزاعی، به هر گونه فعالیتی اشاره دارد که هم خود انگیخته و هم مهار شده باشد. بنابراین هنر از فرآیندهای طبیعت متمایز است. در این معنای کمتر مصطلح، تمامی ابداعات و ساخته های مبتنی بر قوه خلاقه بشری در زمره هنر به شمار می آید. ولی اصلاح هنر، در معنای مشخص، به فعالیت هایی چون نقاشی، پیکره سازی، طراحی،گرافیک، معماری، موسیقی، شعر، رقص، تئاتر و سینما اطلاق می شود. غالباً اصطلاح هنر را برای هنرهای بصری به کار می برند(پاکباز، ۱۳۷۸).

به گفته جان هاسپرز۴ در میان پاسخ های گوناگون هنر چیست؟ یک ویژگی وجود دارد که همه آن ها در آن مشترکند: یک اثر هنری یک چیز انسان ساخت، یک صناعت۵ است که با یک ابژه۶ در طبیعت فرق می کند. احتمال دارد که غروب زیبا و دل انگیز باشد ولی چون انسان آن را نساخته، در برگیرنده اثر هنری نمی گردد(هاسپرز و اسکراتن، ۱۳۸۹). منشأ اثر هنری، هنرمند نیست بلکه هنر است(هایدگر، ۱۳۹۰).

[4] John Hospers
[5] Arti Fact
[6] Object

www.SID.ir

Archive of SID

تاریخچه آموزش عالی در ایران

آغاز آموزش عالی در ایران از زمان حکومت هخامنشیان (داریوش بزرگ) است، چه از آن هنگام دانشکده هایی برای آموختن علوم مختلف نظری و عملی وجود داشته است. اما شکل گیری دانشگاه به معنای واقعی با جندی شاپور شروع می شود که به دست اردشیر بابکان (پادشاه ساسانی)، پایه گذاری شد و تا حدود سیصد سال بعد از ورود اسلام همچنان باقی بود و مرکز جهانی دانش محسوب می شد(ندیمی، ۱۳۷۰).

تصویر۱، مدرسه جندی شاپور، سلسله ساسانیان، ۱۷۰۰ سال پیش، مأخذ: (www.hamshahrionline.ir)

ربع رشیدی مرکز آموزش عالی دیگری است که اوایل قرن هشتم به وسیله رشید الدین فضل الله همدانی، وزیر غازان خان، در تبریز، ایجاد شده بود(مرادی، ۱۳۷۱). این دانشگاه شامل چهار دانشکده بود که در چهار طرف آن قرار داشت. کتابخانه ربع رشیدی از معتبرترین کتابخانه های ایران و جهان اسلام در آن زمان بود.

تصویر۲، مدرسه ربع رشیدی، مربوط به ۷۰۰ سال پیش، مأخذ: (www.hamshahrionline.ir)

مدرسه دارالفنون سرآغاز آموزش عالی به مفهوم امروزی در ایران بود. این حرکت در آستانه انقلاب مشروطیت با تأسیس مدرسه فلاحت مظفری دنبال شد و سرانجام با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هجری شمس رسماً شکل گرفت(مرتضوی، ۱۳۷۶).

www.SID.ir

Archive of SID

شیوه های سنتی آموزش هنر

فراگیر ترین و رایج ترین شیوه آموزش هنر و معماری در ایران، سنت استاد و شاگردی بود. در گذشته های دور پیش از آن که کسی بتواند در حرفه ای مشغول شود می بایست برای خود استادی برگزیند تا اسرار آن حرفه را بیاموزد. استادان همواره تعداد قابل ملاحظه ای شاگرد را انتخاب می کردند که در میان آن ها بعضی از افراد خانواده خود استاد وجود داشتند و آن ها در بیشتر مواقع رموز کار و فنون، به ویژه نکات ظریف را تنها به فرزندان خود می آموختند(معماریان، ۱۳۸۹).

شیوه های نوین آموزش هنر

با اقتباس از آموزش نوین اروپا در مدرسه دارالفنون آموزش رشته های هنر نیز به طور نوین در این مرکز آغاز به کار کرد. این رشته ها شامل دروسی مثل نقاشی، موسیقی و عکاسی بود. این مدرسه طی دوازده دوره به مدت چهل سال دایر بود و خدمات بسیاری برای مردم ایران انجام داد. در حدود سال ۱۳۱۸ هجری شمسی با تلاش گروهی معمار، نقاش و مجسمه ساز اولین دانشکده هنرهای زیبا در دبیرستان مروی موجودیت یافت. مدتی بعد این دانشکده به زیرزمین دانشکده فنی دانشگاه تهران منتقل شد که هیچ تناسبی با فعالیت آن نداشت. سرانجام در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی با ریاست افتخاری آندره گدار فرانسوی، دانشکده با عنوان هنرکده در بنای فعلی آن مستقر شد. در آن جا ترکیب و محتوای دروس از برنامه آموزشی مدرسه بوزار پاریس سرمشق گرفته بود. در دهه ۴۰ خورشیدی تغییراتی کلی در نظام آموزش دانشگاه های ایران به وجود آمد به طوری که نظام آموزشی از نظام فرانسوی به آمریکایی تغییر یافت. از سال ۱۳۴۸ تغییراتی بنیادی در آموزش دانشکده لحاظ شد. به طوری که از فارغ التحصیلان کشورهای مختلف و به ویژه ایتالیا برای تدریس در این دانشکده دعوت به عمل آمد و در نتیجه روش تدریس به سیستم تعلیمات کشور ایتالیا متمایل شد(بانی مسعود، ۱۳۹۰).

مراکز هنری

با توجه به اهمیت موضوع هنر و ابعاد پژوهشی آن در کشور، برپایی مراکز آموزشی- فرهنگی ضرورت می یابد. عملکرد کلی این مراکز و تأثیرات کارکردی آن در جامعه را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

جدول۲، عملکرد کلی مراکز هنری، مأخذ: (فتوت، ۱۳۸۸)

زمینه های علمی- آموزشی	وجود بستر آموزشی مناسب برای هدایت هنرجویان در پرورش استعدادها و کسب تجربه از حضور سایر هنرمندان ملی و بین المللی.
زمینه های اقتصادی	این مراکز به عنوان نظام های حمایتی می توانند در حمایت از هنرمندان در ایجاد زمینه های اشتغال زایی مؤثر باشند.
زمینه های اجتماعی	مراکز مذکور به عنوان واسط جهت برقراری ارتباط هنر و هنرمند با عموم جامعه عمل می کنند که تعاملات اجتماعی صورت گرفته در این مراکز، در شناسایی هنر و هنرمند به جامعه و مستحکم ساختن پایه های اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار است.

www.SID.ir

Archive of SID

دسته بندی هنر در زمان معاصر

جدول۳، دسته بندی هنرهای هفتگانه، مأخذ: (نگارندگان، بر اساس www.pinterest.com)

	هنر	تصاویر
هنر اول	معماری	
هنر دوم	هنرهای دستی: مجسمه سازی، شیشه گری و ...	
هنر سوم	هنرهای ترسیمی: نقاشی، خطاطی و ...	
هنر چهارم	ادبیات: شعر و داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر	
هنر پنجم	موسیقی	
هنر ششم	ورزش، رقص و حرکات نمایشی	
هنر هفتم	هنرهای نمایشی: فیلم، سینما و تئاتر و ...	

معماری

معماری اجتماعی ترین هنر بشری است. به غیراز دوران گردآوری خوراک، حضور فضا، بنا وشهر از گذشته تا امروز و در آینده، لحظه ای از زندگی روزمره آدمیان غایب نبوده و نخواهد بود. بشر نیازمند فضایی است که او را در مقابل تأثیرات محیط محافظت نماید. این فضای محافظ یا همان فضای معماری، مرکزی است که بر مبنای آن تمامی ارتباطات فضایی شکل یافته و سنجیده می شود(پاکباز، ۱۳۷۸).

رابطه زمان و مکان در معماری

به نقل از سید هادی میرمیران، معماری رد زمان است بر فضا، معماری فقط فضاست، حجم هم فضاست. حجم را اگر از بیرون نگاه کنیم یک نوع فضا می شود. ما معماری را با حجم می بینیم و با فضا درک می کنیم. از آن جا که زمان و مکان به صورتی متداخل و هم زمان تجربه می شوند، درک آن ها به طرز غیر قابل باوری تفکیک ناپذیر است. در واقع، زمان به صورت نظم متوالی فضا به هنگام حرکت در مکان تصور می شود. زمان برای معمار یک تناقض به وجود می آورد و از طرفی تغییر و تحول یکی از خصلت های نظام فضایی است که معمار به آن توجه دارد، با این حال بسیاری از واحد های تشکیل دهنده یک ساختار فضایی ایستا است(رحیمیان، ۱۳۸۳). در واقع معماری هنر معنی دادن به فضا است(نوحی، ۱۳۷۹).

www.SID.ir

Archive of SID

مجسمه سازی[7]

مجسمه‌سازی، تندیسگری یا پیکرتراشی هنر همگذاری یا ریخت دادن به اشیا است و ممکن است در هر اندازه یا با هر سازمایه‌ای (مصالحی) انجام گیرد.اصطلاح پیکره سازی را نمی توان یک اصطلاح ثابت برای اطلاق به اشیاء یا فعالیت های معین دانست. نام شاخه ای از هنرهای بصری است که در جریان رشد و تغییر دائم، طیفی از فعالیت ها و انواع تازه ای از اشیاء را در بر می گیرد. هنر مجسمه سازی دارای یک خصلت اصلی و همیشگی است که آن را از سایر هنرهای بصری متمایز می کند و آن آفرینش شکل سه بعدی بیانگر است. بنابراین حجم مهمترین عنصر در طرح یک مجسمه محسوب می شود. مجسمه ممکن است به صورت همه جانبی یا به صورت نقش برجسته باشد. مجسمه همه جانبی شیئی است مستقل و جدا که فضایی را اشغال کرده(وجود مستقل آن در فضا چون وجود مستقل یک ادم یا یک صندلی است). ولی نقش برجسته به زمینه ای متصل شده یا کمابیش از آن برون آمده است(پاکباز، ۱۳۷۸).

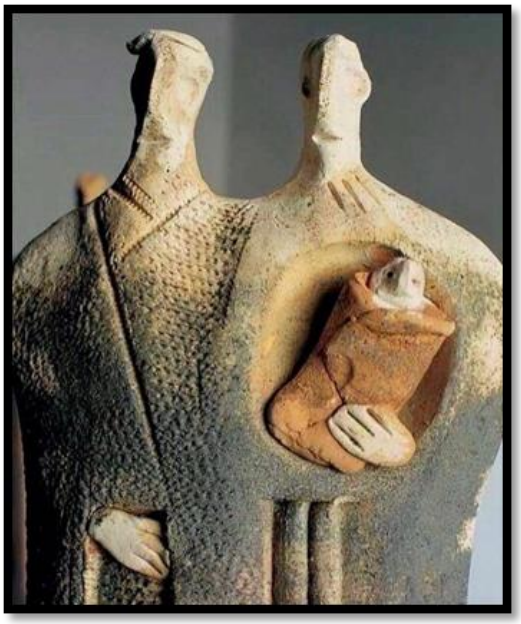

تصویر۴، اثر تئودوروس پاپاجیانی[8] تصویر۳ ، اثر امیل آلزامورا[9] (۲۰۰۸)

تاریخچه مجسمه سازی در ایران

پیشینه مجسمه سازی در ایران به پنج هزار سال پیش برمی گردد. آثار مفرغی بدست آمده از لرستان آثاری سمبولیک، ملهم از طبیعت و کاربردی اند. در دوران هخامنشی، پیکرتراشی متأثر از هنر آشوری است و به گونه ای ظریف تر با نگاهی ناتورالیستی با جنبه مذهبی و وقایع نگار در ارتباط است. در دوران اشکانی هنر ایران با امتزاج دو هنر هلنی و هخامنشی و نیز واقع نمایی در چهره پردازی ادامه یافت. مجسمه سازی در دوران ساسانی خصوصیات هنر هخامنشی را حفظ می کند

[7] Sculpture
[8] Theodoros Papagiannis
[9] Emil Alzamora

www.SID.ir

Archive of SID

اما به طبیعت نزدیک تر می شود. از سالهای ۱۳۲۰ نهضت نوینی در نقاشی و مجسمه سازی ایران به وجود آمد که هنرمندانی چون پرویز تناولی و ژازه طباطبایی با بهره گیری از راه کارهای هنر مدرن و استفاده از عناصر سنتی جامعه ایرانی سعی در احیا هویت ملی و ارتباط جهانی در مجسمه سازی ایران داشتند.

مجسمه سازانی چون قدرت الله معماریان و بهمن محصص از مجسمه سازان پرکار دوران معاصر ایران به شمار می روند. اکنون به نظر می رسد پس از پشت سر گذاشتن این دوران و به پشت گرمی استادان ارزشمندی که برخی از آنان هم اکنون نیز در حال فعالیت هستند و به علاوه با توجه به گسترش ارتباطات و نیز ایجاد و افزایش ظرفیت آموزش دانشگاهی هنرهای تجسمی در داخل کشور، زمینه برای رشد و تجربه های جدیدتر فراهم شده است(عاقلی، ۱۳۸۹).

تأملی در رابطه معماری و مجسمه سازی معاصر

در عصر حاضر نه معماری بر مجسمه غالب است و نه مجسمه بر معماری پیروز می شود. هر یک راه خود را رفته اند. پیشرفت انسان در زمینه درک هنری ، همراه با پیشرفت علم و راه یافتن مفهوم زمان در معماری ، هر دو هنر را به سوی نوعی انتزاعی تر و ساده تر و احیاناً نخبه گراتر می کشاند. معماری به مشابه ماشینی است که در آن زندگی روزمره ما رخ می دهد. دیگر حتی به تزئینات هم نیازی ندارد و مجسمه تنها بیانی کاملا مشخص از درک هنرمند مجسمه ساز درباره موضوعی است یا حتی از این هم فراتر می رود و تنها بیانگر احساس وی در یک لحظه است. دیگر مجسمه محتاج واسطه ای به نام معماری نیست تا تأثیر خود را بر مخاطب بگذارد. هر گاه این دو با یکدیگر برخورد دارند، تقابل آنان کاملا محترمانه است، این دو همدیگر را کامل می کند بدون آن که به یکدیگر وابسته باشند. واکنون در دوره ای که آن را فیلسوفان ، پست مدرن می خوانند، گرایش به تاریخی گری میان معماران دوباره شکل می گیرد و معماری بار دیگر به مجسمه شباهت پیدا می کند. این بار بیرون و درون ساختمان هر یک اهمیت ویژه و متمایزی از یکدیگر دارند. در نظر اول شاید شباهتی میان عصر ما و اعصار بسیار دور که در آن معماری، خود مجسمه سازی بوده است یافت شود، اما این شباهت را باید به ظاهر محدود دانست. در روزگار ما وجود رسانه ها که درک فضایی انسان ها را کاملاً دیگرگون کرده اند، همراه نیاز به عظمت گرایی سرمایه داران ، ساخت بناهای تندیس گرا را دیکته می کند و چنین می نماید که بار دیگر معماری و مجسمه سازی به هم نزدیک شده اند و این بار در جستجوی تاریخ. نکته حائز اهمیت در مورد ساختمان‌های تندیس گونه این است که همه آن‌ها بالاستثنا با بتن احداث شده‌اند. در این بناها بتن همچون خمیر مجسمه‌سازی، ماده‌ای بسیار مناسب برای پدیدآوردن اجسام بدیع و نوظهور بود(محمدی، ۱۳۸۴).

همزبانی مجسمه سازی (پیکر تراشی) و معماری

نور	کادر	حرکت	تعادل	خط
فضا	مصالح	کمپزیسون	تناسب	سطح
رنگ	نقطه	ریتم	تضاد یا کنتراست	حجم

www.SID.ir

Archive of SID

تندیس گرایی

جدول۴، تاریخ معماری از نظر ویژگی های تندیس گرایی مأخذ: (نگارندگان)

تاریخ معماری از نظر ویژگی های تندیس گرایی	مرحله اول: به ترکیب احجام و ساختمان های مختلف با هم توجه شده است. این گونه معماری در تمدن هایی چون تمدن سومری، ایلام قدیم، مصری و یونانی وجود داشت و تا زمان رومیان ادامه دارد. در این دوره توجه به فضای بیرونی با بی توجهی به درون بنا و ساده رها کردن آن همراه است.
	مرحله دوم: ساخته شدن بنای پانتئون در روم آغاز این دوره را مشخص می کند، توجه به فضای درونی ساختمان چالش اصلی معمار بود، به گونه ای که فضاهای درونی بزرگ تر و پیچیده تری در معماری این دوره دیده می شود.
	مرحله سوم: (آغاز سده ۲۰)، دوباره به اهمیت حجم در شکل دادن به فضای بیرونی توجه شد، در حقیقت از یک سو تصور فضایی نخستین دوباره زنده شد و از سوی دیگر نیز توجه به فضای درونی ساختمان به قوت خود باقی ماند و تقریباً از نیمه دوم قرن ۲۰ بود که معماری تندیس گرا با تأثیرپذیری از پیکره سازی دوباره از سوی معمارانی چون لوکوربوزیه، مورد توجه قرار گرفت و بناهای ارزنده ای به این فرم ساخته شد.

بحث و نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به تاریخچه معماری و مجسمه سازی، این باور شکل می گیرد که این دو هنر در تعامل با یکدیگر بوده و دارای همزبانی های بی شماری هستند. همچنین این نتیجه میسر می شود که در تمامی شهرهای بزرگ، ساختمان های تندیس گرا به عنوان نماد و سمبل شهری وجود دارند، تا علاوه بر برآورده کردن نیازهای شهر، تلاشی در نمایش هنر مجسمه سازی در ابعاد شهری داشته باشند. شهر اصفهان با وجود اینکه از زمان های قدیم به شهری با نمادهای زیبا شهرت یافته، ولی فقدان اثری مدرن که پیوندی میان گذشته و حال باشد، احساس می شود.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

بانی مسعود ، معماری معاصر ایران. تهران: هنر و معماری قرن، ۱۳۹۰.
پاکباز ر، دایره المعارف هنر(نقاشی، پیکره سازی و هنر گرافیک). تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
خورشید دوست ر.. مطالعات راهبردی- تطبیقی شهرهای جهان و ایران. انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۲.
عاقلی ق، صد سال مجسمه سازی نوین جهان. تهران، ۱۳۸۹.
فتوت س، طراحی مرکز تحقیقات هنر و معماری اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. ۱۳۸۸.
محمدی روزبهانی ک، پرورش تفکر میان رشته ای، پیش نیاز میان رشتگی در آموزش عالی با تأکید بر یادگیری مسأله محور. مجله: مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۱۳۸۸.
مرادی ا، انواع بهسازی بافت های قدیم. وزارت مسکن و شهرسازی ـ مرکز آموزش سمینار آموزشی آشنایی با مبانی بهسازی و نوسازی بافتهای قدیم شهری اصفهان. دانشکده پردیس. تیر ماه۱۳۷۱.
مرتضوی ش، فضای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
معماریان غ، سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش۱۳۸۹
ندیمی ه، مدخلی بر روش های آموزش معماری. نشریه صفه. دوره یک. شماره یک. ۱۳۷۰.
نوحی ح، تأملات در هنر و معماری. تهران: انتشارات گام نو. ۱۳۷۹.
هایدگر م، سرآغاز کار هنری. ترجمه پ ضیاء شهابی. تهران: هرمس. ۱۳۹۰

www.SID.ir